

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال نهم شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۶ (صص پایان ۱۰۸-۹۵)

معرفی نسخه خطی «شرح تحفه الاحرار» ملتانی

۲- علی زمانی علویچه

۱- محبوبه حاتمی یزد

۴-فاطمه کوبا

۳- علی محمد پشت دار

چکیده

«هدیه‌الاخیار» یا «شرح تحفه‌الاحرار» اثر «محمد رضا ملتانی» فرزند «محمد اکرم ملتانی»، از فارسی نویسان شبه قاره در قرن یازدهم، اگرچه از آثار دست دوم ادب فارسی محسوب می‌شود، قطعاً به دلیل دانش و اطلاعات سرشار و دقت فراوان شارح در فحوص و بحث و بیان ظرایف لغت، دستور، معانی و بیان راهگشای محققان و دانشجویان در شرح دشواریهای «تحفه‌الاحرار جامی» خواهد بود. ملتانی از خادمین شیعه مذهب شهنشاہ اورنگ‌زیب بوده است که از خدمات دیوانی کناره گرفته و چند شرح مهم بر آثار پیشینیان ادب فارسی از جمله «مثنوی» مولوی، «یوسف‌وزلیخا» و «تحفه‌الاحرار» جامی و «اسکندرنامه» نظامی نگاشته است. شناسایی و تصحیح این آثار، علاوه بر جایگاه ادبی خاص خود در شرح و تفسیر دشواریهای یکی از آثار مهم حوزه عرفان و تصوف، در تبیین گستره زبان فارسی در پاکستان و شبه‌قاره نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این پژوهش با روش تحلیل متن اثر انجام شده است.

mhatami@phd.pnu.ir

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران،

zamanialavijeh@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور اصفهان

am.poshtdar@gmail.com

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران

f.kouppa@yahoo.com

۴- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۸

کلید واژه ها: ملتانی، شرح تحفه الاحرار، هدیه الاخیار، نسخه خطی، شبه قاره

۱- مقدمه

احیای آثار علمی و ادبی قدیم در حکم یافتن حلقه مفقوده‌ای است که شیرازه ادبیات و سلسله حیات معنوی و فرهنگی ما را به هم پیوند می‌دهد؛ هم راه تحقیق و تتبع در آثار فرهنگی و به دست آوردن مسیر تحولات ادبی و مدنی و فحوص و بحث در لغت و دستور و معانی بیان را هموار می‌سازد و هم طریق ابتکار و میزان و مقیاس برای تشخیص و تمیز دادن ابتکار از تکرار را به دست می‌دهد. (کاشانی، ۱۳۸۱: مقدمه مصحح) به جز این، تصحیح نسخ خطی، اطلاعاتی درخور در باب سلوک، اندیشه و ساختار فکری و زبانی فضلا و متفکران گذشته نیز به دست می‌دهد. با همه کوشش‌هایی که تا کنون برای شناسایی و احیای ذخایر مکتوب این سرزمین و تحقیق و تتبع در آنها انجام گرفته، هنوز هزاران کتاب و رساله ارزشمند از دوره های مختلف در داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

با آنکه عصر صفویه برای زبان و ادب فارسی در ایران دوره مساعدی نبود، بر اثر توجهی که در قلمرو دولت عثمانی و به وسیله امیران ترک و مغول آسیای مرکزی و بویژه به همت فرمانروایان هند و فرمانگزارانشان در آن سرزمین شبه قاره به پارسی و پارسی گویان میشد، سده های دهم و یازدهم و دوازدهم هجری را یکی از بهترین دوره های رواج و روایی این زبان در آسیا میتوان دانست و طبعاً همین امر، به فراوانی نوشته ها و سروده های نویسندگان و شاعران یآوری بسیار نمود و مایه آن شد که دوران صفوی یکی از بارورترین دوره های تاریخ برای ادب فارسی شود. (صفا، ۱۳۶۹، ج ۵: ۴۲۲)

از جمله آثار این دوران کتابی است با نام «هدیه الاخیار» یا «شرح تحفه الاحرار» جامی که «محمد رضا ملتانی» در قرن یازدهم در شبه قاره و به زبان فارسی نگاشته است. جامی «تحفه الاحرار» را به تقلید از «مخزن الاسرار» نظامی و «مطلع الانوار» امیر خسرو دهلوی و به نام «خواجه عبیدالله

احرار» از مشایخ فرقه نقشبندیه سروده و آثار او مروج این طریقت خانقاهی و مکمل صبغه علمی آن است.

پژوهش حاضر در پی پاسخ گویی به این پرسش های اصلی و محوری است: ۱- محمد رضا ملتانی لاهوری کیست؟ ۲- چه آثاری از او بر جای مانده است؟ ۳- روش او در «شرح تحفه الاحرار» چیست ۴- متن نسخه اساس چه ویژگی هایی دارد؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

نسخه های خطی دریایی از فرهنگ پرمایه ایران اسلامی، کارنامه دانشمندان و نوابغ فارسی زبان و هویت نامه ما ایرانیان است. تصحیح متون و نسخه های خطی، همواره برحسب یک ضرورت فرهنگی در هر جامعه و زمان و در میان ملل مختلف مورد توجه و نظر بوده است. شناساندن و تصحیح آثار محمدرضا ملتانی علاوه بر جایگاه ادبی خاص خود در شرح و تفسیر دشواری های آثار مهم زبان فارسی در حوزه عرفان و تصوف، در تبیین گستره زبان فارسی در پاکستان و شبه قاره در قرن ۱۱ نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

این پژوهش در بخش معرفی نویسنده و آثار او و معرفی نسخ موجود از اثر مورد بحث با استفاده از روش کتابخانه ای و در بخش معرفی نسخه و ویژگی های نگارشی آن با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. مبانی نظری تحقیق با تکیه بر برخی منابع سبک شناسی نثر و گستره آماری آن متن کامل اثر ملتانی است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

با آن که بیش از هشت شرح بصورت مجزا و یا در هامش کتاب بر «تحفه الاحرار» در شبه قاره نگاشته شده (منزوی، ۱۳۶۵: ج ۷)، تنها شرح چاپ شده در ایران حتی نظری هم به این شروح نداشته است.

در میان شرح‌هایی که در شبه قاره نوشته شده، شرح محمدرضا ملتانی بیش از شروح دیگر استنساخ شده است. بدلیل همین کثرت استنساخ در شبه قاره و نیز تقدم زمانی آن، به نظر میرسد این اثر در میان شروح متعدد نگاشته شده بر تحفه الاحرار در شبه قاره برجستگی ویژه‌ای داشته است. این در حالی است که از سایر شرح‌ها که در فهرست‌های نسخ خطی معرفی شده تنها یک یا دو نسخه ذکر گردیده است که متأسفانه با تمام تلاش‌های نگارندگان دسترسی به هیچ کدام حاصل نشد.

از آثار محمد رضا ملتانی لاهوری تنها «مکاشفات رضوی» با دو تصحیح متفاوت از آقایان رضا روحانی و کوروش منصوری به ترتیب در انتشارات سروش و روزنه به چاپ رسیده است. دو پایان نامه مجزا با عنوان «تفسیر و تحلیل مثنوی تحفه الاحرار» را آقایان احمد کرابی (۱۳۷۵) و بهرام خشنودی چروده (۱۳۸۱) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران نگاشته‌اند که هیچ کدام در انجام شرح خود به این نسخه خطی نظری نداشته‌اند. خانم بیتا نوریان «تصحیح انتقادی تحفه الاحرار همراه با شرح مشکلات» را در سال ۱۳۷۸ در مرکز تحقیقات نظری به چاپ رسانده‌اند که در آن نامی از نسخ خطی شرح تحفه الاحرار نیامده است.

۲- شرح احوال مؤلف

از زندگی و احوال ملتانی گزارش دقیقی در دست نیست و علیرغم تلاش بسیار نیز بجز مواردی مختصر از فهرست‌های نسخ خطی و اشارات موجز خود مؤلف در آثارش، اطلاعاتی بدست نیامد. شارح کتاب، «محمدرضا ملتانی لاهوری»، همان صاحب «مکاشفات رضوی» در شرح مثنوی معنوی است. (منزوی، ۱۳۶۵: ۹ و ۲۴۸ و ۵۴۶)

فهرست نسخه‌های خطی پاکستان تاریخ نگارش کتاب را ۱۱۷۲ق. و یا ۱۱۵۵ ق. دانسته و چنین نوشته است: «هیچ کدام از این دو تاریخ با کار دیگرش «مکاشفات رضوی» در شرح مثنوی معنوی جور در نمی‌آید که در آنجا تاریخ مرگش ۱۰۹۸ ه. آمده است.» (همان: ۵۴۶)

در پایان نسخه خطی مکاشفات رضوی به شماره ۹۳۵۹ کتابخانه گنج بخش آمده است: میر ابوالقاسم تاریخ درگذشت میر محمدرضا را گفته است:

کرد چو از دار فنا انتقال
بود هزار و نود و هشت سال
(لاهوری، ۱۳۹۴ق)

میر رضا قبله ارباب حال
از سنه هجرت پیغمبری

از اشارات مؤلف در مقدمه کتاب مورد بحث بر می‌آید که او در شهر عالم‌خیز ملتان لاهور چشم به جهان گشوده و پدرش محمداکرم ادیب و نویسنده فارسی‌نویس و از محققان آن زمان بوده است. چنانکه خود او در آغاز شرح مثنوی معنوی، «مکاشفات رضوی»، و به عنوان مقدمه سخن میراند در جوانی به خدمات دیوانی و سلطانی می‌پرداخته و از بزرگان دربار پادشاهی و از علمای زمان خویش بوده است و از سویی افسوس و دریغ خورده که عمر عزیز و شریف خود را در این راه دنیوی و فانی صرف کرده است. (لاهوری، ۱۳۷۷: مقدمه)

ظاهراً مؤلف از مستخدمین شیعه‌مذهب شهنشاه اورنگ‌زیب بوده است. وی در سال ۱۰۸۴ ق. کارهای دیگر را کنار گذاشته برای تحقق آرزوی دیرینه خود کتابی در گزارش مثنوی معنوی و با تمسک به عنایات ثامن‌الائمه حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) نگاشت و به تیمن و تبرک نام حضرتش آن را به «مکاشفات رضوی» موسوم گردانید. (لاهوری، ۱۳۸۱: مقدمه)

وی در دفتر سوم مثنوی در حکایت زنی که فرزندش نمی‌زیست به تغییر حال خود در اثر ارتحال تنها فرزندش اشاره کرده می‌گوید: «از ارتحال او حال آنچنان متغیر گردید که عقل و هوش آواره، جامه صبر و شکیب پاره شد.» (همان: ۵۹۵)

ناشر چاپ سنگی مکاشفات، در انتهای کتاب وی را، محقق بی‌بدل، علامه اجل، رازدار اسرار فقر و فنا، مولوی محمدرضا معرفی کرده است. (لاهوری، ۱۳۹۴ق: ۳۲۶)

رضا روحانی در مقدمه «مکاشفات رضوی» مینویسد: «از محتوای کتاب میتوان به مقدار دانش و اطلاعات مؤلف پی‌برد. برخوردار محترمانه او با نظر شارحان مثنوی و اظهار تواضع‌های مکرر و عجیب او از نکات دیگری است که ضمن مطالعه این اثر به چشم می‌آید.... با شواهدی که در متن کتاب وجود دارد فهمیده میشود که محمدرضا اهل تشیع بوده و برای خاندان عصمت و طهارت احترام فوق‌العاده‌ای قایل می‌شده است، چنانکه ولی محمد اکبرآبادی نیز در چند موضع از شرح خود البته به لحن طعن به شیعه بودن و اهل تقیه بودن او اشاره کرده است.» (لاهوری، ۱۳۸۱: مقدمه)

۳- آثار ملتانی

علاوه بر «مکاشفات رضوی» و «هدیه‌الاحیاء» که ذکر آنها گذشت در جای دیگر از فهرست مشترک و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، کتاب «شرح اسکندرنامه» نظامی به محمدرضا ملتانی منسوب شده که ظاهراً محمد اکرم ملتانی آن را آغاز کرده و چون پیش از انجام آن بدرود حیات گفت، به سفارش او فرزندش محمدرضا کار پدر را به پایان برده است. (منزوی، ۱۳۶۵: ۵۴۷؛ نیز رک: منزوی، ۱۳۵۹)

محمدرضا ملتانی شرحی نیز بر یوسف و زلیخای جامی نگاشته است که به عنوان یکی از شروح سرآمد زمان مورد استفاده محمد گلهوی در شرح محبت‌نامه (یوسف و زلیخا) بوده است. (منزوی، ۱۳۶۵: ۱۸۴؛ انوشه، ۱۳۷۵: ۲۲۷۱)

۴- درباره کتاب

در دیباچه شرح تحفه‌الاحرار که به نثر فنی آمیخته به نظم نگاشته شده، مؤلف پس از حمد پروردگار و نعت حضرت رسول (ص) و آل و اصحاب بزرگوار آن حضرت در قصیده ای نوزده بیتی و بیان توکل به حضرت حق و توسل به بزرگان دین، سبب تألیف کتاب را چنین شرح می‌نماید: «اما بعد بر ضمائری دقیقه‌اندیشان حقیقت‌پیرای و حقیقت‌کیشان دقیقه‌آرای پوشیده نماند که چون سخنان سرآمدترین سخن‌سنجان و مسندنشین سحرپردازان، صاعد مصاعد فصاحت، عارج معارج بلاغت، عرف‌العوارف، محقق‌العارف، حضرت مولای گرامی مولانا عبدالرحمن جامی رحمه الله، [که] قطع نظائر از صنایع لفظی و بدایع معنوی پرداز و ضمائری سرایر تصوف بودند، له الاسماء منبع‌الاسرار و مشرق‌الانوار تحفه‌الاحرار که بر سریر وقت و نصارت و سلاست الفاظ و عبارت [ب]مخزن‌الاسرار و مطلع‌الانوار [هم‌زانو و] هم‌پهلوی نشسته، بر جماعت طلاب که سمند فکرت درین میدان نتاخته و واقف این اسرار نکشیده ادراک آن صعب مینمود و اکثر اوقات برین خادم‌العلما و خاک‌پای فقیر محمدرضا ولد محمداکرم ملتانی غفرالله له و لوالدیه [و لجمیع امه محمد صلی الله تعالی علیه و سلم] که دانه‌دانه از خرمن محافل علیه و مجالس سنیه بزرگان عظیم و دوستان فخیم اندوخته بود التجا می‌آوردند و استکشاف مبانی و حل معانی آن می‌نمودند مقتضی [و مقتنی] آن گردیدند که این ابکار مقصورات فی الخیام را بر مسند تقریر و تحریر جلوه‌گر باید نمود اگرچه

این هیچمدان [را] استطاعت تشیید مبانی و دستگاه تمهید معانی نبود لیکن بحکم «واما السائل فلا تنهر» [رو] به ذو الجلال و الاکرام نموده عنان یکران قلم را به شرح آن معطوف ساخت و به تسوید سواد آن پرداخت و هرچه از تحریرات حضرت مخدومی استادی قبله‌گاهی ابویم غفرالله [تعالی] له و لابویه یافتیم تیمنا و تبرکا دران درج ساختم تا چاشنی از سخنان بی نمک را نمکین سازد و بدرجه قبول رساند [والله الموفق و المعین]» (ملتانی، ۱۲۴۰: ۲؛ نیز ملتانی، ۱۲۷۲: ۳)

پس از آن ابیاتی در بیان حسب حال خود و افسوس بر فراق بزرگان دین و کاشفان اسرار و بی چراغ ماندن محفل تحقیق مینگارد و اذعان میدارد که چون از کسی فتح باب نمی‌آید، حلقه بر لطف خدا زده، توکل را رهنمای خود کرده و باتوسل به ائمه اطهار(ع) و استمداد از اهل خدا و بزرگان دین ابلق خامه را زین نموده و بر اقلیم سخن تاخته و سرانجام اعلام مینماید که:

هدیه به اخیار فرستادمش هدیه الاخیار لقب دادمش
(ملتانی، ۱۲۴۰: ۳)

وی تاریخ انجام کتاب را چنین ذکر نموده است:

گر شمیری سال ز تاریخ او یک الف و یکصد و هشتاد و دو
(همان: ۳)

و در پایان نهایت تواضع و خاکساری خود را در برابر حضرات معصومین علیهم السلام و بزرگان دین در ابیاتی به تصویر میکشد:

من که به بی‌مایگی و بس کمین جرئت سفالنه نمودم چنین
نه از پی هم‌پایگی و هم‌سریست نه از پی هم‌مایگی و سروری است
دست به دامان بزرگان زدم بوسه به خاک قدم ایشان زدم
... پیش تو این جمع رفیع آورم جمله به درگاه شفیع آورم
کز ره لطف و کرم عام خویش از ره مقصود مرانم ز پیش
جام سقا ریز به کام رضا تا که به مقصود رسد بی‌قضا

(همان: ۴)

ابواب این رساله برابر است با ابواب «تحفه الاحرار» شامل: دیباچه، چهار مناجات، پنج نعت و شش باب در منقبت و دعا، فضیلت سخن، کشف پرده دل، سه صحبت با پیران روشن ضمیر و صاحب تمکین و حقیقت بین و بیست مقاله که هر کدام حداقل یک حکایت را نیز دربر دارد. عناوین مقالات به اختصار چنین است:

۱- در آفرینش عالم ۲- در آفرینش آدم (ع) ۳- در بیان سعادت اسلام و دین ۴- در اقامت نماز پنجگانه ۵- در اشارت روزه ماه رمضان المبارک ۶- در اشارت به زکات مال ۷- در اشارت به زیارت بیت الله ۸- در اشارت به عزلت پر عزت ۹- در اشارت به صمت ۱۰- در اشارت به سحر ۱۱- در نشان دادن از حال صوفیان ۱۲- در شرح حال علمای از عمل دور ۱۳- در مخاطبه سلاطین ۱۴- در اشارت به حال وزیران و دبیران ۱۵- در صفت پیروی و انجام آن ۱۶- در شرح حال جوانان ۱۷- در اشارت به حسن خوبان و جمال محبوبان ۱۸- در اشارت به عشق ۱۹- در حسب حال شاعران خام طمع ۲۰- در پند دادن فرزندان ارجمند. (رک ملتانی، ۱۲۹۷؛ ملتانی ۱۲۴۰؛ ملتانی، ۱۲۷۲)

۵- سبک نگارش اثر

بطور کلی این کتاب، بنا بر شیوه رایج در اغلب آثار عرفانی و علمی از نثری پخته برخوردار است که به شیوه متقدمان نزدیک تر است. دیباچه چهار صفحه ای آن همانند دیگر آثار عهد صفوی به نثر فنی نگارش یافته و بسیاری از ویژگی های بارز سبکی این دوران بخوبی در این بخش مشهود است اما در متن اصلی که به شرح تمامی ابیات تحفه الاحرار پرداخته شده نثر نویسنده ساده و روان است و علاوه بر داشتن مختصات سبکی عصر صفوی، برخی ویژگی های سبکی عصر کهن را نیز داراست. (رک: شمیسا، ۱۳۹۳: ۲۵۹-۲۵۵؛ بهار، ۱۳۷۰، ج ۳: ۲۵۵)

ترکیبات و عبارات عربی در کتاب به حدی است که عربی مآبی شارح را در اولین صفحات کتاب آشکار مینماید. استشهاد به آیات و احادیث، شواهد منظوم و منثور متعدد، ضرب المثل ها و اقوال مشایخ و بزرگان در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر «جناس» و «مراعات نظیر»، «اشتقاق» و ... بویژه در دیباچه آن به چشم میخورد.

در مجموع، جز در دیباچه که جملات طولانی و پیچیده است و نیز مواردی از متن اصلی که شرح واژگان و مفاهیم حکمی و عرفانی ضروری مینماید، نثر کتاب بر ایجاز استوار است.

۶- نسخه‌های «شرح تحفه الاحرار»

به استناد فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، تعداد ۱۹ نسخه از این اثر در ۱۰ شهر پاکستان موجود است که قدیم‌ترین آن‌ها کتابت سال ۱۱۹۰ق. و آخرینش کتابت ۱۲۹۴ق. است. فهرستواره کتابهای خطی فارسی نیز ۱۹ نسخه را فهرست کرده که از این تعداد ۸ نسخه مربوط به کتابخانه گنج بخش در اسلام آباد است. (رک: منزوی، ۱۳۷۴)

در جلد سوم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، تعداد ۶ نسخه از این کتاب فهرست شده است (تسبیحی، ۱۳۵۰)؛ اگرچه در مکاتبه با کتابخانه تنها ۳ نسخه به شماره‌های ۴۲۷، ۵۴۰۱ و ۱۱۱۸۸ موجود اعلام شد.

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نیز ۲ نسخه خطی به شماره‌های ۲۰۶۹۳ دارای ۱۰۲ صفحه و ۲۱۳۰۱ با ۳۵۳ صفحه موجود است.

کتابخانه ملی نیز یک نسخه چاپ سنگی با شماره دستیابی ۲۴۲۹۶-۶ به نام محمد جلال الدین مورخ ۱۹۱۱ لاهور و دارای ۱۷۸ صفحه دارد.

همچنین در کتابخانه آستان قدس رضوی یک نسخه خطی به شماره ۴۴۸۸۰ با ۱۴۶ صفحه و چهار نسخه چاپ سنگی بدون تطبیق از مطبعه اسلامی لاهور (۱۳۲۹ق.) موجود است.

علاوه بر اینکه نسخه‌های متعدد از این کتاب در ایران و پاکستان موجود است متن آن در هامش تحفه الاحرار و همراه با شرح محمد گلهوی و چند تن دیگر، نیز بصورت چاپ سنگی در لاهور به طبع رسیده که نسخه‌هایی از این چاپ سنگی در کتابخانه آستان قدس و کتابخانه ملی موجود است. (رک: جامی، بی تا؛ جامی، ۱۳۳۲)

نگارندگان این سطور پس از طی مراحل گردآوری نسخ خطی و سنجش اعتبار آنها اساس تصحیح و مقابله «شرح تحفه الاحرار» را بر ۵ نسخه خطی و یک نسخه چاپ سنگی گذاشتند که مشخصات آنها بر اساس قدمت تاریخی از این قرار است:

- الف) نسخه خطی «شرح تحفه الاحرار»، کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، شماره: ۱۱۱۸۸، کتابت ۱۲۴۰ ه.ق. به قلم حافظ محمود در قطع رقعی با ۲۷۶ صفحه.
- ب) نسخه خطی «شرح تحفه الاحرار»، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره: ۲۱۳۰۱، کتابت ۱۲۷۰، به خط زید میان نورجان، ۳۵۳ صفحه.
- ج) نسخه خطی «شرح تحفه الاحرار»، کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، شماره: ۵۴۰۱، کتابت ۱۲۷۲ ه.ق. به خط فضل الدین مفتی با ۳۷۶ صفحه.
- د) نسخه خطی «شرح تحفه الاحرار»، کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، شماره: ۸۵۳۷، کتابت ۱۲۹۱ ه.ق. به خط محمد قاسم طالب العلم با ۳۲۸ صفحه، تصویر موجود در کتابخانه دانشگاه اصفهان، شماره بازیابی: ۴۶۱۸.
- ه) نسخه خطی «شرح تحفه الاحرار»، آستان قدس رضوی، شماره: ۴۴۸۸۰، کتابت ۱۲۹۷، ۱۴۶ صفحه در ابعاد ۲۵*۱۶ به خط نستعلیق ۱۷
- ی) نسخه چاپ سنگی «شرح تحفه الاحرار» کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۴۶۴۷۹، مطبوعه اسلامی: ۱۳۲۹، ۱۸۰ صفحه.

۷- معرفی نسخه ۱۱۱۸۸ کتابخانه گنج بخش

این نسخه که قدیمترین نسخه موجود و اساس کار نگارندگان در تصحیح این اثر است در سال ۱۲۴۰ ه.ق توسط حافظ محمود در ۲۷۶ صفحه رقعی ۱۵ تا ۱۸ سطری و به خط نستعلیق نگاشته شده و جلد و روکش مقوایی است.

نسخه دارای یک دیباچه در ۴ صفحه و ترقیمه‌ای مشروح و فاقد فهرست است. متن تحفه الاحرار و شرح ابیات پشت سر هم آمده و شارح با نشانی «م» برای متن و «ش» برای شرح به خط شنگرف، به بیان توضیحات و شرح دشواری‌های ابیات پرداخته است.

عناوین فصل‌ها به رنگ مشکی و در میان متن آمده و همانند سایر قسمت‌های متن تنها با علامت «م» مشخص شده است. مصاریع و ابیات نیز با علامت‌های شنگرف از هم جدا شده‌اند. در شرح ابیات، بالای هر کلمه یا عبارت متن که توضیحی دارد علامتی به رنگ قرمز گذاشته شده است.

به شیوه بسیاری از نسخ خطی کلمه اول صفحات زوج در پایان صفحات فرد آمده است، به عبارت دیگر نسخه دارای رکابه است.

آیات قرآن و عبارات و ابیات عربی آمیخته با متن است و تنها در مواردی قبل از درج ابیات و مصاریع کلمه نظم، بیت یا مصراع آمده است. کاتب در ضبط کلمات عربی دقت چندانی نداشته و به ندرت حرکت واژه‌ها را مشخص کرده است.

از امتیازات این نسخه آن است که کاتب بعضی ساقطات را در حاشیه آورده و اشتباهات را نیز در حاشیه و یا با رنگ قرمز در بالای هر سطر تصحیح کرده است: (← صص ۵۲، ۲۶۱، ۱۷۱) مطالبی که در حاشیه نسخه درج شده است به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: کلمه‌ها و ترکیبات و جمله‌های افتاده متن.

صورت صحیح واژه‌ها و عبارات اشتباه متن که با علامتی مشخص شده است. (← صص ۸۶، ۱۶۷)

توضیحات یا ابیاتی افزوده پیرامون متن، اغلب به قلم و خطی غیر از خط کاتب در حاشیه برخی صفحات وجود دارد. (← صص ۲۱۷، ۲۱۱، ۱۷۷، ۱۷۵، ۹۶، ۳۰، ۲۸)

جز در اوراق نخست و صفحه ۲۶۴ به دلیل مرمت پارگی و آب خوردگی صفحات، باقی متن خوانده می‌شود. حواشی برگ اول و صالی شده است و در اکثر برگ‌ها علامت آب خوردگی دیده می‌شود. بخشی از متن بین صفحات ۷۱، ۷۲ و ۹۳، ۹۴ نیز فرو افتاده است.

در مواردی که کاتب نتوانسته نسخه را بخواند جای آن را خالی گذاشته است. (← صص ۱۲، ۱۰۹، ۱۹۶، ۲۵۷) در صفحه ۱۵۵ بخشی از متن جا افتاده که به خط و قلمی دیگر نوشته شده است.

۱-۷- رسم الخط نسخه ۱۱۱۸۸ کتابخانه گنج بخش:

بطور کلی کاتب این اثر در نگارش عبارات و کلمات دقت چندانی ندارد و از شیوه واحدی پیروی نمی‌کند. کلمات و عبارات یکسان را به گونه‌های مختلف پیوسته و جدا مینویسد و در صحت وزن ابیات و نگارش کلمات نیز به قدر کافی دقیق نیست. برخی ویژگی‌های نگارشی نسخه مورد بحث عبارتند از:

۱- هیچ گونه علامت نگارشی در نسخه دیده نمی‌شود.

۲- آیات قرآنی و عبارات و ابیات عربی مشکول نیستند و کاتب در نگارش آنها دقت چندانی نداشته است.

۳- حرف «گ» همه جا به صورت «ک» نوشته شده و کاف عجمی خوانده شده است: «نمود اگرچه این هیچمدان [را] استطاعت تشیید مبانی و دستکاه تمهید معانی نبود...» (ملتان: ۱۲۴۰: ۲)
 ۴- در کلماتی که حرف «ب» به مصوت بلند «ای» متصل شده با سه نقطه کتابت شده است: «پی سامانی که عبارت از کمیایی مضمون است از سبب گفتن شعراء متقدمین پی سرانجامی صفت کارگاه است» (همان: ۷)

از آنجا که در رسم روزگاران گذشته مرسوم بوده که مصوت بلند «ای» را با دو نقطه زیر حرف «ی» نمایش دهند حدس نگارندگان آن است که کاتب نقطه‌ها را با هم جمع کرده و یکجا نوشته است.

۵- حرف «ت» در انتهای کلمات عربی در اکثر موارد به صورت گرد کتابت شده است: «بیت ثانی تفسیر بیت اول است یعنی ازینجهه که جمال مطلق متعین بدین تعین گردیده صورت چونی از وی عیان است و ازینجهه که مطلق در حالت تعین مطلق است بیچون شده در وی نهان» (همان: ۴۳) و در مواردی به هر دو صورت: «بوی خوشش همان قراءت عبارت فصیح اوست؛ اضافه طعمه جان لامیه است یعنی اگر طاقت کشف معانی خفیه آن نمی توانی قراءه ظاهر او موجب صفای جان تو را بس است» (همان: ۱۵)

۶- همزه بعد از الف زائد همه جا بصورت «ی» نوشته شده است: «مشبه طایفه‌اند که قائل شده‌اند بدان که حق مانند جسمی است» (همان: ۵۱)

۷- همزه پیش از مصوت بلند «او» بصورت «ی» نوشته شده است: «... به ظهور صور علمیه و اعیان ثابتة کثرت اعتباریه پیدا کرد و کثرت شیون حجب ذات واحد گردیدند» (همان: ۵۵)

۸- کاتب در نگارش غالب کلمات عربی، حروف «ی» و «همزه» را همزمان به کار برده است: «چون از بارگاه مصطفوی و درگاه نبوی خطاب مستطاب کل امر ذی بال لم یبدأ بسم الله فهو ابتر عز ورود یافته است امتثال امر شریف بوجهی نمود که فجر باشد از سرائیر خفیه او حرفا بحرف و مشعر بضمائیر خفیه او نجماً بنجم» (همان: ۱۳) و در موارد محدودی نیز تنها از پایه همزه استفاده کرده است: «بحر ازل ذات باریتعالی موج کرم در گرفت ای کرم فرمود ساحل ممکنات چه ممکنات مغائر ذات است» (همان: ۲۵۳)

۹- در تمام موارد در پایان کلمات فارسی مختوم به الف بجای «ی» بیان حرکت، نشان اضافه یا صفت فاعلی از «ئ» استفاده کرده است: «هر یک از اسم الهی که در راه هدایت ذاکران خود را هادی و رهنمائی به سوی ذات الهی است مانند هدهد است...» (همان: ۲۲)؛ «رخ او چو خورشید بود و معجز از سبب اقتباس نور ازو مثل ماه بود چه معجز قریب رخ می باشد و چادر بالائی او» (همان: ۲۵۱)

۱۰- پس از حروف اضافه «در» و «از»، «الف» آغاز کلمات حذف گردیده است: «قاف حرف معروف و نام کوه که گرداگرد زمین [است] و گفته اند که آن از زمرد است و هیچ کوهی نیست که از آن درو رگی نیست.» (همان: ۲۸)

۱۱- کلمه «است» به هردو صورت جدا و یا متصل به کلمه قبل با الف ابتدایی یا بدون آن نوشته شده است: «... شاخ و گل و برگ و خار عبارت از مظاهر است؛ جلوه او ای ظهور ذات و صفات» (همان: ۱۴۴)؛ «از آنجا ای از طوبی؛ لوا: علم؛ برافراختن: روانه شدن؛ لفظ زد معطوفست بر برافراخت؛ فاعل برافراخت و زد آن حضرت صلی الله تعالی علیه و سلم» (همان: ۸۹)

۱۲- «ها»ی غیر ملفوظ از آخر کلماتی که با «ها» جمع بسته شده، حذف گردیده است: «سبحه بالضم: مهرهایی که عدد تسبیح به آن گیرند.» (همان: ۲۶)

۱۳- کلمات مختوم به الف ممدود در حالت اضافه و وصف گاهی با همزه و گاه بدون همزه، گاه با «ی» و گاهی بدون «ی» نوشته شده است: «یعنی هریک نماز را بهتر از پنج گنج انگاشته اداء کن و صاحب گنج شو» (همان: ۱۶۲)؛ «یعنی تا چند به لب حکایت آن کج نویس کنم و الآن که وقت آدای شکر است بر نعمت اتمام کتاب، شکایت پیش کنم؛ پس باید که شکر آدا نمایم.» (همان: ۲۷۵)

۱۴- «ی» نکره و اضافه و نیز شناسه «ای» جانشین فعل ربطی در کلمات مختوم به «ها»ی غیر ملفوظ به صورت همزه آمده است: «طوبی نام درختی است در بهشت سایه ای یک سایه» (همان: ۸۳)؛ «حسن خود از آینه بگشوده» (همان: ۴)

۱۵- حرف اضافه «به» در همه موارد به کلمات بعدی پیوسته است: «روز تو شد شام ای روز تمام شد: شب به روز [آوردن]: شب تمام کردن» (همان: ۱۹۸)

۱۶- پیشوند فعلی «ن» نفی غالباً جدا از فعل کتابت شده است: «پیداست که آن فنا [ی] سرمدی [و] بقا [ی] سرمدی است که هرگز فنا نه پذیرد.» (همان: ۱۱۷)

- ۱۷- کاتب به سرهم نویسی و یا جدانویسی اجزاء کلمات مقید نبوده است و حتی گاه دو کلمه جدا را پیوسته نوشته است: «باغ عناصر عبارت از آسمان اول تا زمین است تا اسطقسات و موالید سگانه دران داخل باشند» (همان: ۶۳)؛ نیز جلس‌آنه (۱۷۷)؛ دمبدم (۲۲)؛ شاملحال (۸۹) و...
- ۱۸- «می» استمراری به هر دو صورت جدا و پیوسته نوشته شده است: «و اگر مدار مصدر میمی باشد به معنی گردش مقابل قرار افصح میشود» (همان: ۴۱)؛ «و می تواند که نور و دخان مفعول ثانی داد باشد و زاء ز بیاض و سواد صله» (همان: ۲۱)
- ۱۹- «در این» و «در آن» همه جا بصورت «درین» و «دران» نوشته شده: «عقل که به قدرت ادراک، سودای ثنای او نماید چه تمنای خام و خیال باطل است. درین ورطه بی انتها در گرداب حیرت و عجز افتاده‌اند» (همان: ۲۵)
- ۲۰- ضمایر پیوسته در مواردی جدا نوشته شده است: «چشمک‌شان ای چشمک زدن‌شان یعنی اشارت کردن‌شان؛ دولت بیداری: بیداری» (همان: ۱۲۶)
- ۲۱- شناسه فعل محذوف را بصورت جدا از کلمه قبلی نوشته است: «نقش مخلوق چه داری ای برای چه فایده داری زیرا که مخلوقات برده خالق‌اند» (همان: ۱۰۲)؛ در مواردی معدود شناسه فعل ذکر شده را نیز جدا نوشته است: «از بهر آن که این اعتبارات در آن حضرت احدیت از یکدیگر ممتاز نیست‌اند» (همان: ۷۸)
- ۲۲- واژه «دوم» تنها در ۳ مورد به صورت «دویم» و واژه «سوم» در تمام موارد به صورت «سیوم» نوشته شده است: «یعنی سطر دویم ازان ورق، مرقومه قلم نه فلک است که گرد زمین دائراند» (همان: ۳۳)؛ «چون سیوم روز شد طعام در پیش آوردند و گفتند که حضرت سه شب است که چیزی نخورده است» (همان: ۶۸)

۸- نتیجه

از میان شروح متعدد «تحفه‌الاحرار» در شبه‌قاره، شرح «محمدرضا ملتانی»، شارح و فارسی‌نویس شیعه‌مذهب پاکستانی بدلیل تقدم زمانی و کثرت استنساخ، رواج و روایی بیشتری داشته است. با این وجود و علیرغم فقدان شرحی کامل و مبسوط از تحفه‌الاحرار در ایران، تا کنون این اثر معرفی و چاپ نشده است.

متن این نسخه ۲۷۶ صفحه‌ای که به شرح یکایک ابیات تحفه الاحرار پرداخته، عمدتاً نشان‌گر مختصات سبکی عصر صفوی و کتابت آن نیز به طور کلی نشان‌گر عربی‌مآبی کاتب و پیروی او از رسم‌الخط قدیم است.

محتوای این شرح که شامل اطلاعات ادبی، عرفانی و حکمی فراوان است، قطعاً می‌تواند راه‌گشای پژوهشگران در شرح ابیات یکی از آثار ارزشمند ادب فارسی باشد.

۹- منابع

- ۱- انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه، ۱۳۷۵.
- ۲- بهار، محمدتقی، سبک شناسی، ج ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- ۳- تسییحی، محمد حسین، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، ج ۳، راولپندی: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۰.
- ۴- جامی، عبدالرحمن، تحفه الاحرار جامی معه شرح گلهوری و محمدرضا، لاهور: مطبعه سیم پریس، بی تا، نسخه چاپ سنگی شماره ۲۷۸۰۴۹۵ کتابخانه ملی.
- ۵-، تحفه الاحرار جامی مکمل بمعه شرح محمد گلهوری، محمدرضا، مولوی عبدالقادر و غیره، لاهور، ۱۳۳۲ق، نسخه چاپ سنگی شماره ۲۷۲۶۷ آستان قدس رضوی.
- ۶- شمیسا، سیروس، سبک شناسی نثر، تهران: میترا، ۱۳۹۳.
- ۷- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، تهران: فردوس، ۱۳۶۹.
- ۸- کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، مقدمه و تصحیح استاد جلال الدین همایی، تهران: زوار، ۱۳۸۱.
- ۹- لاهوری، محمدرضا، مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی، تصحیح مقدمه و تعلیقات رضا روحانی، تهران: سروش، ۱۳۸۱.
- ۱۰-، مکاشفات رضوی در شرح مثنوی معنوی، تصحیح و مقدمه کوروش منصوری، تهران: روزنه، ۱۳۷۷.
- ۱۱-، مکاشفات رضوی شرح مثنوی معنوی، چاپ سنگی، لکهنو: مطبع منشی نولکشور، ۱۳۹۴ه.ق. شماره ۳۷۵۴ کتابخانه آستان قدس.

- ۱۲- ملتانی، محمدرضا، شرح تحفه الاحرار، نسخه خطی شماره ۴۴۸۸۰، کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۲۹۷.
- ۱۳-، شرح تحفه الاحرار، نسخه خطی شماره ۵۴۰۱، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۲۷۲.
- ۱۴-، شرح تحفه الاحرار، نسخه خطی شماره ۱۱۱۸۸، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۲۴۰.
- ۱۵- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۷، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵.
- ۱۶-، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۱۰، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۱۷-، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۹.